



جامعه به مباحث انتخاباتی گوش نمی‌دهد

تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس و عضو هیئت‌علمی دانشگاه است، او هم معتقد است که احتمالاً مشارکت مردم در این انتخابات پایین باشد و در این زمینه به هم‌میهن می‌گوید: «با اینکه پیش‌بینی می‌شود مشارکت پایین باشد، اما روش‌ها برای جذب و جلب مشارکت مردم اصلاح نشد. علت اصلی کاهش مشارکت مردم در انتخابات‌های گذشته، فقدان رقیب بود. چراکه رقیب، انتخابات را داغ می‌کند. در فضای بدون رقیب اکثریتی از موافقان، افراد هم‌سو و اقلیتی حاشیه‌ای، انتخابات گذشته را رقم زدند. با توجه به اینکه تعداد رقبا و منتقدان نسبت به گذشته کمتر شده است، پیش‌بینی می‌شود میزان مشارکت نیز بیش‌ازقبل کاهش یابد.» به اعتقاد این جامعه‌شناس، به‌جای اینکه رویکردها اصلاح شود، میزان رصلاحت‌ها نسبت به گذشته بیشتر شده و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به افرادی که می‌توانستند فضای انتخابات را گرم کنند و احتمالاً پیروز میدان شوند، اعلام شد که داوطلب نشوند که اگر بشوند، رصلاحت می‌شوند. آنهایی هم که داوطلب شدند، باز هم رصلاحت شدند: «از طرف دیگر جامعه نزدیک به یک‌دهه است که به این نتیجه رسیده، مشارکت در انتخابات در دفاع از اصلاح‌طلب یا اصولگرا منجر به تغییر و بهبود نمی‌شود. جامعه‌ای که به چنین نتیجه‌ای رسیده، تصمیم می‌گیرد به مسائل مرتبط با انتخابات گوش نکند. مدتی پیش تاکید کردم که جامعه نسبت به رصلاحت‌ها هم واکنشی نشان نخواهد داد و چنین هم شد. جامعه به تبلیغات رسمی هم واکنشی نشان نخواهد داد و همچنان در حاشیه و به‌شکل ناظر باقی می‌ماند بدون اینکه دردرس یا هیچانی ایجاد کند.»

▼ شرکت در انتخابات، دستوری نیست

این جامعه‌شناس مشکلات معیشتی و انتظار برای رفاه را مولفه‌هایی می‌داند که در مشارکت مردم، هم تأثیرگذار هستند و هم تأثیرگذار نیستند: «در جوامع دموکراتیک‌مشروع، انتخابات‌اهمیتی ویژه دارد؛ چراکه انتخابات فعلی مدنی است و شهروندان از کودکی می‌آموزند مشارکت در انتخابات هم حق آنهاست، هم وظیفه‌شان. همچنین این موضوع در آنها نهادینه می‌شود که در طولانی‌مدت از مشارکت در انتخابات منفعیت می‌برند و این اقدام یک رسالت ملی است. اما در کشور ما انتخابات به‌عنوان یک وظیفه به شهروندان آموزش داده نمی‌شود. مثلاً مردمی که قرار است در بزرگسالی در انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری و... مشارکت کنند، باید در مدرسه، خانواده و حتی در محیط کار با پدیده انتخابات آشنا شده و انتخاب آنها در مسائل تأثیرگذار باشد. نگاهی به دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که رئیس دانشکده‌ها بدون دریافت نظر استادهای انتخاب می‌شوند، کتاب‌ها را بدون دریافت نظرات اساتید تغییر می‌دهند و... وقتی در هیچ محیطی انتخابات برقرار نیست و مردم لذت مشارکت و بازی مدنی را نبرده‌اند، نمی‌توان انتظار داشت که ناگهان در انتخابات رأی دهند.» او ادامه می‌دهد: «در جوامع دموکراتیک مردم از کودکی فعل مشارکت در انتخابات را تمرین و بازی می‌کنند و در بزرگسالی هم از این حق خود استفاده می‌کنند، اما در کشور ما چنین نیست. در جامعه مبتنی بر دموکراسی اگر تصمیم و کنش جامعه مبتنی بر مشارکت در انتخابات باشد، در صورت نارضایتی از رأی‌آوردگان، نسبت به حذف آن فرد از سمت‌اش اقدام می‌کنند. در جوامع دموکراتیک اگر مردم از رئیس‌جمهور نارضایتی باشند، نارضایتی خود را اعلام کرده و رئیس‌جمهور دیگری انتخاب می‌کنند، اما در کشور ما چنین اتفاقی نمی‌افتد. مردم یکبار رأی می‌دهند و تا انتخابات بعدی نمی‌توانند اقدامی کنند.» براساس اعلام این استاد دانشگاه، اگر به جامعه حکم و دستور داده شود که باید در انتخابات شرکت کنند، جامعه گوش نمی‌دهد و اگر هم گوش کند به حکم عمل نمی‌کند. جامعه مدرن جامعه‌ای است که همه مسائل در آن براساس توافق، گفت‌وگو و منافع شکل می‌گیرد. چنین جامعه‌ای سلسله‌مراتبی نیست که مانند گذشته حکم کنند و سایرین تبعیت کنند. در جامعه امروز ایران باید تک‌تک شهروندان برای انجام یا انجام‌ندادن کاری توجیه شوند، زیرا دانش مردم و ارتباط آنها با جهان نسبت به گذشته بیشتر شده است و نمی‌توان به آنها حکم کرد و چنین رویکردی نتایجی مطلوب به دنبال ندارد.



نگار: میزبان

سکوت جامعه ۱۰ روز مانده به انتخابات

هم‌میهن در گزارشی تحلیلی به بررسی میزان مشارکت گروه‌های مختلف در انتخابات پیش‌رو پرداخت



شادی مکی
خبرنگار گروه جامعه

بررسی‌ها نشان می‌دهد، شرایط سخت معیشتی و بهبود نیافتن شرایط، رفتارهای فراقانونی نسبت به رعایت نکردن حجاب، وعده‌های انجام‌نشده، بدقولی‌های دولت و حمایت‌های مکرر مجلس از دولت، همچنین این موضوع که نمایندگان مجلس به‌جای نمایندگی مردم، نمایندگی سیستم را برعهده دارند، بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان، وجود فساد اقتصادی و ماجرای پرتکرار رانت‌خواری در لایه‌های بالای سیاسی و اقتصادی کشور، بی‌توجهی نمایندگان مجلس به اعتراضات کارگران و منفعل بودن نمایندگان انتخابی، عمده‌ترین دلایل بی‌علاقگی مردم در حوزه‌های انتخابی، عمده‌ترین دلایل بی‌علاقگی مردم برای شرکت در انتخابات است

مختلف برای بالا بردن میزان مشارکت مردم در انتخابات به تقلا افتاده‌اند. آنها در تلاش برای کشاندن مردم پای صندوق‌های رأی در انتخابات مجلس، در جست‌وجوی بزرگ کردن میدان قدرت‌اند. همه اینها در شرایطی است که در سال‌های قبل به‌توجه به عملکرد ضعیف نمایندگان مجلس و اینکه همواره قوانین در تقابل با خواسته‌های مردم تصویب می‌شود، مشارکت مردم در انتخابات این نهاد چندان چشمگیر هم نبوده است. حالا و با نزدیک شدن به تاریخ برگزاری انتخابات، دعوته‌ها هم شروع شده است. از جمله دعوت تشکل‌های فرهنگیان از رأی‌اولی‌ها، معلمان و... در حالی که بخش زیادی از همین معلمان، از معترضان به قوانین موجود هستند، بیلبوردهای شهر هم پر از پیام‌های انتخاباتی شده، هر چند برخی از آنها دستمایه طنز هم شده‌اند. مثل جمله: «رأی ندادن مساوی است با ردی دادن به وضعیت موجود» که این سوال را ایجاد کرد که وقتی مسئولان نسبت به اسفبار بودن وضع موجود اطلاع کافی دارند، چرا منتظر انتخابات‌مانده‌اند؟

▼ پرسش «هم‌میهن» در باره مشارکت در انتخابات

حالا در این شرایط، هم‌میهن سراغ گروه‌های مختلف رفته و نظر آنها را درباره مشارکت در این انتخابات جویا شده است؛ اغلب شرکت‌کنندگان در تماس‌های تلفنی، از شرکت نکردن در انتخابات سخن گفته‌اند و در ادامه متخصصان بخش‌های حقوقی و اجتماعی دلایل مشارکت نکردن را بررسی کرده‌اند. شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی به چرایی شرکت نکردن یا شرکت نکردن در انتخابات پاسخ داده‌اند. هم‌میهن با بررسی این موضوع در تلاش است تا توجه مسئولان را نسبت به دلایل گروهی از جامعه درباره شرکت نکردن در انتخابات و به‌طور کلی مشارکت سیاسی آنها جلب کند و هدفی در راستای ناامیدی جامعه و تشویق آنها به رأی ندان ندارد.

آطور که از پاسخ شرکت‌کنندگان در این نظر خواهی محدود که از گروه‌های مختلف انتخاب شده‌اند، برداشت می‌شود، این است که بیشتر آنها دلایل رأی ندان را به شرایط اجتماعی و فرهنگی مرتبط دانسته‌اند. شرایط سخت معیشتی و بهبود نیافتن شرایط، رفتارهای فراقانونی نسبت به رعایت نکردن حجاب، وعده‌های انجام‌نشده، بدقولی‌های دولت و حمایت‌های مکرر مجلس از دولت‌بود، همچنین این موضوع که نمایندگان مجلس به‌جای نمایندگی مردم، نمایندگی سیستم را برعهده دارند، بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان، وجود فساد اقتصادی و ماجرای پرتکرار رانت‌خواری در لایه‌های بالای سیاسی و اقتصادی کشور، بی‌توجهی نمایندگان مجلس به اعتراضات کارگران و منفعل بودن نمایندگان نسبت به بهبود شرایط زندگی مردم در حوزه‌های انتخابی، عمده‌ترین دلایل بی‌علاقگی مشارکت‌کنندگان در این نظرسنجی بود. از طرف دیگر افرادی که عنوان کردند در انتخابات شرکت می‌کنند، معتقد بودند همچنان امید به بهبود وجود دارد. آنها معتقدند، باید در کنار رأی دادن، مطالبه‌گری کرد و تمرین مشارکت در انتخابات و توجه به رأی می‌تواند در طولانی‌مدت یک زندگی معمولی را برای جامعه به ارمغان بیاورد.

▼ معترض، پس رأی نمی‌دهم

مدرس دانشگاه است و کارگردان تئاتر. او جزو کسانی است که در این نظرسنجی شرکت کرده و می‌گوید: «از وقتی به سن رأی دادن رسیدم، در انتخابات شرکت کردم؛ چون معتقدم مقبولیت یک ساختار سیاسی از میزان ردیی که ملت به آن می‌دهد، مشخص می‌شود و این مقبولیت می‌تواند کشور را در برابر

مداخلات داخلی حفظ کند و ضامن تمامیت ارضی کشور باشد.» او همچنین تلاش تاریخی و احترام به خون‌های ریخته‌شده برای تشکیل مجلس و نابودی سیستم ارباب و رعیتی در کشور را در این تصمیم خود موثر می‌داند. او امروز در سن ۴۴ سالگی به نتیجه‌ای دیگر رسیده و قصد ندارد در انتخابات شرکت کند: «انتخابات تنها پوسته آزادی خواهی و انتخابات آزاد را به خود گرفته است. به دلیل همین شرایط، من دچار تضاد شده‌ام که آیا باید در انتخابات مشارکت کرد یا خیر. آیا باید به این شکل صوری از مردم‌سالاری انکفا کنیم. مجلسی که نماینده عموم مردم نیست و قوانینی را برای تسهیل زندگی مردم وضع نمی‌کند، مجلسی منفعل است که نمی‌تواند شرایط را برای زندگی مردم تسهیل و قوانینی مناسب وضع کند. اگر نماینده مجلس به‌جای تسهیل شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی‌ام، در این مسیر سنگ اندازی کند قطعاً نماینده من نیست. بنابراین من فعلاً اعتراضم را به‌شکل مشارکت نکردن در انتخابات نشان می‌دهم، زیرا راه دیگری به‌نظر نمی‌رسد که هزینه کمتری داشته باشد. اما اگر هوایی برای تنفس ایجاد شود، دوباره رأی می‌دهم.»

یک دانشجوی حقوق هم درباره دلایلش برای شرکت نکردن در انتخابات می‌گوید: «بعید می‌دانم هیچ تبلیغی ولو از سوی فعالان حقوق بشر و روشنفکران بتواند مرا نسبت به رأی دادن، متقاعد کند. اینکه فرزند رئیس مجلس و بسیاری دیگر از مسئولان در آن‌سوی مرزها زندگی می‌کنند و دنبال اقامت‌دائم هستند، روایتگر این است که تندر و شرایط جامعه را به گونه‌ای درست کرده‌اند که فرزندان خودشان هم قادر به ادامه زندگی در آن نیستند. معتقدم، اگر نمی‌توانم خودم را از این شرایط ناگوار نجات دهم، حداقل به دست خودم به تداوم شرایط دامن نزوم.»

▼ با تداوم تبعیض جنسیتی رأی نمی‌دهم

«مینا» هم کارمند یک اداره دولتی است. او چندسالی است در انتخابات شرکت نمی‌کند و به هم‌میهن می‌گوید: «چرا باید در انتخابات شرکت کنم وقتی به‌عنوان یک زن از حقوقی کمتر از مردان برخوردار هستم؟ مثلاً در اداره ما و بسیاری از ادارات دیگر، این موضوع تبدیل به عرف شده است که برای زنان، حقوق مزایایی کمتر از مردان در نظر گرفته می‌شود. توجیه این است که زنان خرج خانواده را نمی‌دهند. به‌نظر می‌رسد این بهانه‌ای برای تداوم نگاه تبعیض آمیز نسبت به زنان باشد. به علاوه آنکه در ادارات، زنان را برای پست‌های مدیریتی کمتر انتخاب می‌کنند و نگاه جنسیتی بر شایسته‌سالاری غلبه دارد. از طرف دیگر وقتی می‌بینم هر روز به‌دلیل موضوع حجاب چه رفتارهایی با ما زنان می‌شود و قوانین جدید و محدودکننده‌تری به ادارات ابلاغ می‌شود یا در این رابطه قوانینی پشت درهای بسته تدوین و تصویب می‌شود، در تصمیم خودم برای شرکت نکردن در انتخابات مصرت می‌شوم.» او با اشاره به وضعیت معیشتی سخت خودش و بسیاری از مردم ادامه می‌دهد: «وقتی نابرابری و بی‌عدالتی را می‌بینم، وقتی من و بسیاری دیگر از تأمین هزینه‌های مسکن وامانده ایم، چرا باید رأی دهم؟»

محمد هم کارمند، متأهل و دارای دو فرزند است. او اغلب در انتخابات‌های مختلف مشارکت داشته است. با این حال می‌گوید که امسال رأی نمی‌دهد: «اما چپ و راست، اصلاح‌طلب و اصولگرا را آزموده‌ایم اما شرایط بهتر نشده است. امروز هم هیچ ایده جدید و امیدوارکننده‌ای وجود ندارد. تجربه نشان داده که شعارهای اصلاحات، عدالت و رفاه هم بی‌فایده بوده است. مسئله حجاب زنان